



۷ اسفند با مشارکت پرشور مردم در انتخابات، به روز حمایت از نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد

لیک ملت به رهبر

نگاه امروز

سعید تجریشی: دکترین شوک، مفهومی در ادبیات سیاسی-اقتصادی به شمار می‌رود که در جریان تحقق مراحل آن، فروپاشی کامل نظام جامعه هدف شکل می‌گیرد. خانم ناومی کلاین به عنوان مفسر و نظریه‌پرداز این دکترین، روند انجام آن را به ۳ شوک پی‌درپی تقسیم می‌کند. در شوک اول که می‌تواند بر اثر یک «جنگ نظامی»، «حوادث طبیعی»، «کودتا» یا موارد مشابه صورت بگیرد، جامعه در یک شوک نابینگام قرار می‌گیرد و بر اثر آن برنامه‌های سیاسی و اقتصادی آن با اختلال مواجه می‌شود. در مرحله یا شوک دوم، بنگاه‌های اقتصادی وابسته به نظام سرمایه‌داری و شرکت‌های چندملیتی نفوذ خود را در نظام اقتصادی جامعه هدف آغاز می‌کنند و شوک سوم عبارت است از مقابله سخت «پلیسی»، «امنیتی» و «سانه‌ای» با مخالفان داخلی شوک دوم. کلاین روند دکترین شوک را با شکنجه زندانی مقایسه می‌کند. همان طور که شکنجه‌های وحشتناک نظامیان آمریکایی در عراق و افغانستان می‌توانست اراده زندانیان را تخریب کند، دکترین شوک نیز می‌تواند اراده یک جامعه را مورد خدشه قرار دهد.

دکترین شوک نیز دقیقاً روند شکنجه را تقلید و تکرار می‌کند و سعی دارد در مقیاسی کلان و اجتماعی به همان چیزی دست یابد که شگردهای شکنجه‌گران در سلول بازجویی به دست می‌آورد. «در اثر فاجعه اصلی (مثلاً یک کودتا، حمله‌های تروریستی، فروپاشی بازار، جنگ، سونامی یا توفان) یک حالت شوک همگانی بر تمام جمعیت مستولی می‌شود. درست همانگونه که موزیک کرکننده و ضربات درون سلول بازجویی، زندانی را سست می‌کند و به راه می‌آورد، فرو ریختن بمب‌ها، موج ترس و توفان‌های در هم کوبنده نیز در خدمت سست کردن و به راه آوردن کل جامعه قرار می‌گیرد. درست مثل زندانی وحشت‌زده‌ای که نام رفقایش را لو می‌دهد و از باورهایش روگردان می‌شود، جوامع شوکه‌زده نیز غالباً از چیزهایی که در حالت عادی سرسختانه از آنها محافظت می‌کردند دست بر می‌دارند»^(۱)

دکترین شوک در چین باستان

این دکترین را در نظریه‌های هنر جنگ «سان تزو» که از ۲۵۰۰ سال پیش تاکنون به عنوان قدیمی‌ترین اثر نوشتاری در رابطه با علوم و فنون نظامی‌گری به شمار می‌رود نیز می‌توان یافت. سان تزو از ایالت چای در چین باستان بود. کتاب او مورد توجه هولو، پادشاه منطقه وو قرار می‌گیرد و از آن پس تاکنون ظرفیت مطالعه و آموزش را دارد. سان تزو در بخش توصیف یک جنگ حمله‌گرانه می‌نویسد: «یک رهبر مدبر نیروهای دشمن را وادار به اطاعت می‌کند، بدون آنکه جنگی در گرفته باشد و شهرهای آنها را تسخیر می‌کند بدون اینکه نیاز به محاصره آن شهرها باشد و حکمرانان آنها را ساقط می‌کند بدون اینکه یک مبارزه بسیار طولانی مدت در منطقه انجام شده باشد. او بدون از دست دادن نفرت و تجهیزات، امپراتوری دشمن را سرنگون و شادی و جشن را کامل می‌کند. این یک روش جنگی حمله‌گرانه است»^(۲)

اگرچه در زمان سان تزو الگوهای نوین جنگ وجود نداشت اما با این حال تاکتیک‌های او را می‌توان در هر ۳ شکل کنونی از جنگ؛ یعنی «سخت»، «نیمه‌سخت» و «نرم» به کار گرفت. جنگ اقتصادی نیز که امروز جامعه در معرض آن قرار دارد و در بیان مقام معظم رهبری با صفت «تمام‌عیار» مطرح می‌شود؛ در همین قالب تعبیر می‌شود. در جنگ اقتصادی به عنوان حلقه تکمیل‌کننده نفوذ فرهنگی، دشمن نیازمند حضور شرکت‌های وابسته اقتصادی است که کلاین از آن به عنوان خصوصی‌سازی جنگ یاد می‌کند. «در جریان جنگ عراق به بهانه ۱۱ سپتامبر جنگ هرچه طولانی‌تر می‌شد بیشتر هم خصوصی‌سازی می‌شد. مثل مأموریتی برای نفوذ در دل دشمن به صورت خزنه و سینه‌خیز. این شیوه پس از چندی شیوه جدید جنگ شد».

نظامیاتی‌بالباس پیمانکاری

بررسی آماری که کلاین درباره میزان حضور پیمانکاران در جریان جنگ عراق از آنها پرده برمی‌دارد، بیانگر تحقق یک پازل بزرگ از جانب دشمن است. پازلی که با تکمیل شدن هر یک از قطعات آن، زمان فروپاشی استقلال جامعه هدف نزدیک‌تر می‌شود. «اعداد و ارقام خود گویای ماجرای نفوذ خزنه شرکت‌هاست. در جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، به ازای هر ۱۰۰ سرباز

تبعات وابستگی کشور به بنگاه‌های خارجی نامطمئن

یک پیمانکار وجود داشت. این نسبت در آغاز تهاجم سال ۲۰۰۳ به عراق، به نسبت هر ۱۰ سرباز یک پیمانکار، جهش یافت. ۳ سال بعد از اشغال عراق، این نسبت یک به ۳ شده بود. کمتر از یک سال بعد که ۴ سال از اشغال عراق می‌گذشت، به‌ازای هر ۱/۴ سرباز، یک پیمانکار وجود داشت. توجه داشته باشید که این آمار فقط پیمانکارانی را در بر می‌گیرد که مستقیماً برای دولت آمریکا و نه برای دیگر شرکای ائتلاف یا دولت عراق کار می‌کنند»^(۳)

ناچوانمردی پژو

این دکترین امروز به شیوه‌های دیگر در ایران در حال اجراست. شرکت‌های اقتصادی فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، ژاپنی و... هر کدام در دوره تحریم‌های سخت علیه ایران بخش‌هایی از قراردادهایی را که با ایران بسته بودند به صورت یکجانبه رها کرده و امروز به بهانه رفع تحریم‌ها مجدداً برای حضور در ایران اعلام آمادگی می‌کنند. به عبارت دیگر دکترین چماق و هویج در دوره تحریم به دکترین شوک در دوره پساتحریم تبدیل می‌شود. از نگاه غربی‌ها تحریم به عنوان شوک مرحله اول محسوب می‌شود. شوکی که موجب کاهش درآمدهای ایران شده و از سوی دیگر با کاهش بی‌سابقه قیمت نفت، فشار زیادی بر اقتصاد ایران وارد کرده است. از این‌رو براساس این دکترین شرایط برای ورود به شوک دوم مهیا شده است. برای تحقق شوک دوم در طول یک سال گذشته هیات‌های متعدد تجاری و اقتصادی از کشورهای مختلف به ایران آمده‌اند. از اقبال دولت روحانی به همکاری مجدد با شرکت اینپکس ژاپن تا دخالت آشکار در امور ایران توسط هیات اقتصادی آلمانی همگی مصداق قرار داشتن ایران در موج دوم دکترین شوک است.

اعتماد تجاری با انگلیسی‌ها

اما در این میان سیاست‌های خصمانه شرکت‌های انگلیسی و فرانسوی علیه منافع ملی ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. در جریان دیدارهای هیات تجاری انگلیس که آبان‌ماه سال جاری در تهران صورت گرفت محسن جلال پور، رئیس اتاق بازرگانی ایران ۳ پیشنهاد برای ترمیم ذهنیت منفی

ارسال قطعات، متحمل خسارت‌های سنگینی شد به نحوی که عرضه خودرو به بازار توسط این شرکت به شکل قابل توجهی کاهش یافت. ایران در آن سال از نظر حجم پس از فرانسه، دومین بازار بزرگ پژو بود اما پس از اینکه پژو در فوریه سال ۲۰۱۲ ارسال محموله‌های خود را به ایران متوقف کرد، فروش این خودرو ساز در ایران ۶۸ درصد کاهش یافت و به ۱۴۵ هزار دستگاه خودرو رسید.^(۴) با وجود این خسارات که پژو به ایران وارد کرد، دولت روحانی تدبیر مناسبی برای مسوولیت‌پذیر کردن این شرکت به خرج نداد و در حالی که حضور مجدد پژو در ایران همراه با تعیین تکلیف‌ها تأویل‌پذیر، بستر حضور مجدد این شرکت در ایران فراهم شد و در نهایت با سفر روحانی به پاریس به امضای ۲ طرف رسید. «ایجاد شرکت مشترک با سهام ۵۰ درصدی ۲ مجموعه، تبدیل ایران به مرکز صادرات منطقه‌ای پژو و انتقال تکنولوژی و سرمایه‌گذاری» ۳ شرطی است که ایران برای همکاری مجدد با پژو تعیین کرده.

ژنرال حاشیه‌ها

بخش دیگری از قراردادهای تجاری دولت یازدهم با طرف‌های غربی به حوزه نفت و پتروشیمی بازمی‌گردد. حوزه‌ای که پرونده‌های قطور از تخلفات همانند پرونده کرسنت را به خود اختصاص داده است. براساس لایه‌های صورت گرفته در وزارت نفت دولت روحانی در روزهای پایانی مهر ۹۴، کنگره راهبردی نفت و نیرو با حضور بیژن زنگنه و مجموعه بزرگی از دلالان و پیمانکاران خارجی حوزه انرژی برگزار شد. در فهرست سخنرانان آن همایش فردی به نام «فریدون فشارکی»، مشاور سابق رژیم پهلوی، عضو هیات‌مدیره تشکیلات «شورای ایرانیان آمریکایی»، عضو شورای روابط خارجی نیویورک و مشاور وزیر انرژی آمریکا حضور داشت. از این‌رو در برخی رسانه‌ها شایعه بروز تخلفات جدید در انعقاد قراردادهای نفت و پتروشیمی با افراد و شرکت‌های بدسابقه توسط دولت روحانی شکل گرفت. «به نظر می‌رسد استراتژی قدیمی کماکان با جدیت در حال اجراست و در این میان تنها تاکتیک‌های

واسطه‌گری بنابه افشای لابی قدیمی و هوشیاری منابع اطلاعاتی، تغییر کرده است. بیم آن می‌رود پس از به‌نام‌زنی بخش مهمی از صنایع و معادن و زیرساخت‌های سودآور کشور در دوره‌های گذشته به نام جمعی محدود از کارگزارانی‌ها به اسم خصوصی‌سازی، در دور جدید کل صنایع نفت و گاز کشور با بهره‌گیری از تاکتیک به‌روزسازی شده از شمول زیرمجموعه حاکمیت مردمی خارج شده و حتی تغییر دولت‌ها نیز منجر به خروج احتمالی توپ قدرت از دست مجموعه محدود و تمامیت‌طلب‌نشود»^(۵)

از آلمان نازی تا آلمان صهیونیست

در مطالعه روند حضور هیات‌های تجاری-اقتصادی دولت‌های غربی در ایران که در طول دولت روحانی صورت گرفته می‌توان از حضور هیات آلمانی به عنوان عجیب‌ترین و در عین حال صریح‌ترین نمونه‌های نفوذ اقتصادی نام برد. این هیات که تیرماه سال جاری به تهران سفر کرد سعی داشت در یکی از مهم‌ترین گام‌های پروژه نفوذ و عادی‌سازی نقش روحانی به پاریس بران، به میانجی‌گری در رابطه ایران با رژیم اشغالگر قدس بپردازد. «زیگمار گابریل»، وزیر اقتصاد آلمان که سنت معاونت صدراعظم را هم برعهده دارد، قصد داشت همکاری اقتصادی میان آلمان و ایران را تقویت کند اما تحقق این هدف به یک تابوشکنی نیاز دارد. گابریل بنا بر آنچه روزنامه آلمانی «بیلد» به نقل از وی نوشته بود کوشید درباره رابطه میان ایران و رژیم غاصب صهیونیستی با مقامات ایرانی صحبت کند و نقش میانجی را در این زمینه ایفا کند. «آلمان بسیار تلاش کرد با توافق هسته‌ای با ایران از ساخت بمب اتمی جلوگیری شود. این بزرگ‌ترین گام برای عادی‌سازی روابط با ایران است و دیگر گام‌ها هم باید برداشته شود. با توجه به نقش ایران در مناقشات منطقه و ویژه در روابط با اسرائیل، آلمان می‌تواند نقش میانجی را داشته باشد»^(۶)

دستور مرحله سوم شوک

بدین ترتیب با تحقق شوک دوم، می‌توان بسیاری از برخورد‌های سلبی روحانی و دولت وی علیه منتقدان را به عنوان مرحله سوم دکترین شوک محسوب کرد.